

## درس چهارده: شعر یاد حسین (ع)



قالب شعری: قصیده    لحن: سوگوارانه

شد چنان از تف دل کام سخنور تشنه    که ردیف سخنش آمده یک سر تشنه

قلمروی زبانی: تف: گرما / کام: دهان / سخنور: شاعر

کام سخنور: ترکیب اضافی / ردیف سخن: ترکیب اضافی / سخنش: ترکیب اضافی

چنان: قید تأکید / کام: نهاد / سخنور: مضاف الیه / تف: متمم / سخنور: مضاف الیه / تشنه: مسند / یک سر: قید / تشنه

دوم: مسند / ردیف سخن: نهاد / آمده در معنی شده: فعل اسنادی / ۲ جمله

قلمروی فکری: از شدت گرمای دل چنان دهان شاعر تشنه گشت که تمام ردیف شعرش کلمه ی تشنه شد.

قلمروی ادبی: تف دل: اضافه استعاری / دل مثل آتشی تف (گرما) دارد. آتش: مشبه به / دل: مجاز از وجود / کام و دل:

تناسب / تکرار: تشنه

خشک گردید هم از دود دل و دیده دوات    خامه با سوز رقم کرد به دفتر تشنه

قلمروی فکری: از شدت اندوه فراوان، دوات خشک شد، قلم به جای جوهر با اشک و آه خود، تشنگی را نوشت.

قلمروی ادبی: دود: استعاره از غم و غصه / دود دل: اضافه استعاری / دود: استعاره از اشک / دود دیده: اضافه استعاری /

خامه، دوات، دفتر: تناسب / دل و دیده: تناسب / واج آرایی: صامت «د» / خامه با سوز رقم کرد: تشخیص

قلمروی زبانی: دیده: چشم / خامه: قلم / رقم کرد: نوشت / دوات: نهاد / دود: متمم / دل: مضاف الیه / دیده: مضاف الیه /

خشک: مسند / خامه: نهاد / سوز: متمم / دفتر: متمم / تشنه: مفعول / رقم کرد: فعل.

آه و افسوس از آن روز که در دشت بلا بود آن خسرو بی لشکر و یاور تشنه

**قلمروی فکری:** افسوس از آن روز که در کربلا، آن پادشاه بدون لشکر و بدون یار و یاور تشنه بود!

**قلمروی ادبی:** دشت بلا: اضافه تشبیهی/آن و آه: جناس/خسرو: استعاره از امام حسین(ع)/ تلمیح به روز عاشورا

**قلمروی زبانی:** خسرو: پادشاه/ آه و افسوس: شبه جمله و ۲ جمله/ آن خسرو بی لشکر و یاور: نهاد

تشنه: مسند/ تعداد جملات: ۲/ بی لشکر و یاور: صفت

با لب خشک و دل سوخته و دیده ی تر غرقه ی بحر بلا بود در آن بر تشنه

**قلمروی ادبی:** لب، دیده، دل: مراعات نظیر/ بحر و بر: تضاد/ تر، بر، در: جناس/ بحر بلا: اضافه تشبیهی/ دل سوخته: کنایه

از رنج و ناراحتی داشتن/ تشنه: استعاره از امام حسین(ع)

**قلمروی زبانی:** بحر: دریا/ بر: خشکی/ غرقه: غرق شده/ تشنه: نهاد/ آن بر: متمم، آن: وابسته ی پیشین، صفت اشاره/

لب: متمم/ خشک: صفت/ دل: متمم/ سوخته: صفت/ دیده: متمم/ تر: صفت/ غرقه: مسند/ بحر: مضاف الیه/ بلا: مضاف الیه.

**قلمروی فکری:** امام حسین (ع) با لبی خشکیده و چشمانی تر در آن بیابان دچار مصیبت های زیادی شده بود.

همچو ماهی که فتد ز آب برون ، آل نبی می تپیدی دلشان ، سوخته در بر تشنه

**قلمروی فکری:** اهل بیت مانند ماهی که از آب بیرون افتاده باشد؛ دل سوخته آن ها از شدت تشنگی در سینه می

تپید.

**قلمروی ادبی:** تشبیه( آل نبی همچو ماهی که از آب بیرون افتاده آرام و قرار نداشتند./ آب و ماهی: تناسب/ آب و

تشنه: تناسب/ تلمیح: به تشنگی اهل بیت پیامبر در کربلا

**قلمروی زبانی:** آل نبی: خاندان پیامبر/ تپیدن: تکان خوردن/ احمد: یکی از نام های پیامبر/ بر: سینه، پهلو/

برون: بیرون/ فتد: بیفتد(افتادن)/ ماهی: متمم/ همچو در معنی مانند: حرف اضافه/ ال نبی: نهاد/ دل: نهاد/ شان: مضاف الیه/ سوخته و تشنه: قید/ می تپیدی: فعل ماضی استمراری.

آل احمد همه عطشان ز بزرگ و کوچک نسل حیدر همه از اکبر و اصغر تشنه

**قلمروی ادبی:** تضاد: بزرگ و کوچک؛ اصغر و اکبر/ مترادف عطشان: تشنه/ اصغر، کوچک/ اکبر: بزرگ/ اکبر و اصغر: ابهام

حضرت علی اکبر و علی اصغر، همه ی بزرگان و بچه ها/ بزرگ و کوچک: مجاز از همه

**قلمروی زبانی:** عطشان: تشنگی / حیدر: حمله برنده، لقب حضرت علی(ع) / اکبر: بزرگ تر، اصغر: کوچک تر / حذف فعل از هر دو جمله به قرینه معنایی (بودن)

**قلمروی فکری:** خاندان حضرت محمد(ص) و فرزندان حضرت علی(ع) از بزرگ تا کوچک همگی تشنه لب بودند.

**تشنه لب کشته شود در لب شط از چه گناه؟ آن که سیراب کند در لب کوثر تشنه؟**

**قلمروی ادبی:** تشنه لب: کنایه از امام حسین(ع) / تشنه و سیراب: تضاد/لب(تشنه لب) و لب(لب شط): چناس تام/ تکرار: لب/ واج آرایبی (ش)

**قلمروی زبانی:** شط: رود/ کوثر: نام چشمه ای در بهشت // آن که: نهاد/ تشنه: مفعول/ لب: متمم/ کوثر: مضاف الیه/ سیراب: مسند/ کند به معنای گرداند فعل اسنادی است/ تشنه لب: قید/ لب و گناه: متمم/ چه: صفت پرسشی، وابسته پسین.

**قلمروی فکری:** آن کسی که بر ساحل چشمه کوثر همه ی تشنگان را سیراب می کند به کدامین گناه باید در کنار آب فرات در حالی که تشنه است، کشته شود؟

**برد عباس جوان، ره چو سوی آب فرات ماند بر یاد حسین (ع) تا صف محشر تشنه**

**قلمروی فکری:** وقتی که عباس جوان به آب فرات رسید به یاد تشنگی امام حسین (ع) تا قیامت تشنه ماند.

**قلمروی ادبی:** عباس و حسین: تناسب/ آب، فرات، تشنه: تناسب/ تلمیح: به سقایی حضرت ابوالفضل عباس(ع)

**قلمروی زبانی:** تا: حرف اضافه، صف: متمم/ محشر: مضاف الیه/ یاد: متمم/ حسین: مضاف الیه/ تشنه: مسند/ عباس جوان: نهاد/ ره: مفعول/ چو: قید زمان(وقتی که)/ سوی: حرف اضافه/ آب: متمم/ فرات: مضاف الیه.

**گشت از کلک فدایی چو دلش دود بلند بر ورق کرد رقم بس که مکرر تشنه**

**قلمروی ادبی:** تشبیه قلم به دل / از دل دود بلند شدن: کنایه از غم و ناراحتی زیاد/ تناسب: کلک و ورق/ تخلص: فدایی / ایهام: فدایی(تخلص شاعر)، (قربانی)/ مبالغه در بلند شدن دود از قلم/ دود: استعاره از آه و ناله/ کلک: مجاز از شعر شاعر

**قلمروی زبانی:** کلک: قلم/ ورق: کاغذ، برگه/ رقم: نوشتن/ مکرر: پی در پی

کلک فدایی: متمم/ دود: نهاد/ دلش: متمم/ بلند: مسند/ بس: قید/ مکرر: قید/ تشنه: مفعول/ ورق: متمم/ رقم کرد: فعل

**قلمروی فکری:** فدایی از بس بر روی دفتر واژه ی تشنه را نوشت از قلم او مانند دلش آه و ناله بلند شد.

## نکته ی ادبی درس: ردیف

ردیف: اگر یک یا چند کلمه، به صورت مستقل و به یک معنا در پایان بیت ها یا مصراع ها بعد از قافیه، تکرار شود به آن ردیف می گویند

۱- یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور (غم مخور: ردیف)

۲- شب عاشقان بیدل چه شبی دراز باشد تو بیا کز اول شب در صبح باز باشد (باشد: ردیف)

## نکات مهم

**نکته ی اول:** اگر دو کلمه پایان مصراع ها یا ابیات در تلفظ یکسان اما در معنی متفاوت باشند، ردیف به حساب نمی آیند بلکه قافیه هستند.

مثال: خرامان بشد سوی آب روان چنان چون شده، باز جوید روان (روان: قافیه)

مثال: اگر یک سر مو فراتر برم فروغ تجلی بسوزد برم (برم: قافیه)

ردیف به آهنگ و موسیقی شعر می افزایند ردیف می تواند در شکل های مختلف مانند حرف، اسم، فعل و گاهی نیز بیش از یک واژه و... بیاید.

مثال: خلوت گزیده را به تماشاچه حاجت است چون کوی دوست هست به صحراچه حاجت است (چه حاجت است: ردیف)

مثال: شد نفس آن دو سه همسال او تنگ تر از حادثه ی حال او (او: ردیف)

نکته (۲): آوردن ردیف در شعر اجباری نیست اما اگر شاعر بخواهد از ردیف استفاده کند بلافاصله آن را بعد از قافیه می آورد.

نکته ۳: ردیف بعد از قافیه تکرار می شود. اگر کلمه هایی به یک شکل و معنی قبل از قافیه تکرار شوند، ردیف نیستند؛ مانند نبینی باغبان چون گل بکارد چه مایه غم خورد تا گل بر آید (قافیه در این بیت، واژه «گل» ردیف نیست).

### فدایی مازندانی:

از عالمان و مرثیه سرایان بزرگ عاشورایی در عصر قاجار است.

کلیات سوگ نامه او بیش از هفت هزار بیت دارد و شامل سه بخش است:

بهره نخست (مقتل چهار نظام) در باره واقعه کربلا و رویداد جاویدان شهادت امام حسین (ع) و یاران وفادارش سروده شده است.

بهره دوم شامل اشعاری در قالب های گوناگون شعری و نوحه های عاشورایی است.

بخش سوم، قصاید تاریخی را در بر می گیرد.



### روان خوانی (شوق آموختن)

این نوشته، خاطرات دوران اسارت یکی از آزادگان سرافراز میهنمان است. روایتی که شوق آموختن و امید را بیان می کند.

### معنی کلمات و آرایه ها:

اسارت: اسیر بودن / **مخوف**: ترسناک، بیمناک / تبعید: دور کردن، راندن / مصمم: پابرجا، استوار و ثابت / اصل و نسب: نژاد و تبار / **مضيقه**: تنگنا، سخت گیری کردن / فی المجلس: در مجلس، فوراً، همان دم / نشریات: روزنامه و مجله ها / **گل از گل شکفتن**: کنایه از خوشحال شدن / روایت: بیان کردن مطلب یا خبر / مقصود: هدف / شریف: ارجمند، بزرگوار / **اعمال**: به کار بردن، کار بستن / روحیه کسل: روحیه تنبلی و بی حوصلگی داشتن / **گریبان**: یقه (سردرگریبان: کنایه از **به فکر فرو رفتن**) / به محض اینکه: همین که / فضیلت: برتری، ارزش های اخلاقی / تذکر: به یاد آوردن، پند گرفتن، یاد آور شدن / محوطه: جایی که گرداگرد آن را دیواری احاطه کرده باشد / رژیم: حکومتی که صدام حسین، رییس جمهور معدوم عراق، ریاست آن را به عهده داشت، بعث: در لغت به معنای «رستاخیز» و «برانگیختن» و از نظر سیاسی، عنوان نهضت فکری و حزب سیاسی، با شعار «وحدت اعراب، آزادی از سلطه خارجی، سوسیالیسم» است. / **هجی کردن**: جدا تلفظ کردن و مشخص کردن حروف و صدا های یک کلمه / نابغه: باهوش / **مثل بلبل با او انگلیسی حرف می زد**. (کنایه از مهارت داشتن در زبان انگلیسی)

### تاریخ ادبیات: حکایت زمستان اثر سعید عاکف

«حکایت زمستان» روایتی متفاوت از صفحه ای ماندگار از دیوان افتخار آمیز دفاع مقدس است. روایت مقاومت ها و مظلومیت های اُسرای ایرانی در زندان های بعثی ها که از زبان آزاده سرافراز، عباس حسین مردی و با قلم شیرین و

شیوای سعید عاکف بیان شده است. در کتاب «حکایت زمستان» عباس حسین‌مردی راوی شجاعت رزمندگان دلیری می‌شود که تا آخرین نفس برای دفاع از دین و سرزمین خود مقاومت کردند. داستان رشادتها و پایداریهای رزمندگان اسلام، شرایط عجیب و حیرتانگیز اردوگاه‌های عراقی، فضای روحی و روانی دشوار دوران اسارت، و شکنجه‌هایی که گرچه تصورش برای انسان مشکل می‌باشد اما حقایقی است که بر جریده تاریخ ثبت شده است.

**سعید عاکف:** نویسنده و خاطره‌نویس ایرانی است که اغلب در مورد جنگ ایران و عراق می‌نویسد. وی در سال ۱۳۵۱ در تهران متولد شد. کتاب‌های او از پر تیراژترین کتب در زمینه دفاع مقدس بوده است. از کتاب‌های دیگر این نویسنده، «خاک‌های نرم کوشک»، «نسیم تقدیر» می‌باشد.

